

## جهان در آینه‌ء رویداد های تاریخ

( از اول تا 31 ماه اگست )

### روز شمار اول ماه اگست

=====

**1 - آغاز سلطنت هانری در فرانسه :-** بتاريخ اول اگست سال 1589 ميلادي : "هانري دونوار" معروف به هانري دويوربون سلطنت خود را در فرانسه آغاز کرد بدین ترتیب حکمرانی دوره سوم پادشاهان خاندان بوریون در فرانسه آغاز شد، هانري دونوار پس از به قدرت رسیدن با عنوان هانري چهارم بر مسند قدرت نشست و مدت بیست و يك سال بر سر قدرت باقی ماند.

**2 - استقلال سوئیس :-** بتاريخ اول اگست سال 1648 ميلادي: استقلال کشور سوئیس به رسمیت شناخته شد، این کشور در جنگهاي سي ساله اروپا که از سال 1618 تا 1648 ميلادي بطول انجامید، بیطرفی خود را حفظ کرد از این رو در پیمان ۴ که در پایان جنگهاي سي ساله منعقد شد، استقلال سوئیس به رسمیت شناخته شد کشور سوئیس به صورت کنفدراسیون اداره میشود این کشور با المان، فرانسه، ایتالیا، اتریش و لیختن اشتاین هم مرز است.

**3 - تولد هرمان نویسنده آمریکایی :-** بتاريخ اول اگست سال 1819 ميلادي: هرمان ملویل نویسنده مشهور آمریکایی در قرن نوزدهم میلادی در این کشور متولد شد پدر "هرمان" تاجر بود اما در زمان بحران اقتصادی در آمریکا بر شکسته شد و سپس درگذشت و از آن پس "هرمان" به اداره امور خانواده پرداخت هرمان ملویل برای تامین مصرف زندگی خود و خانواده اش به کارهاي مختلفی چون مزرعه داری، معلمي و دریانوردی پرداخت اما روحیه ماجراجوی او با دریانوردی و ماجراهایش سازگار افتاد و از آن به بعد به دریانوردی مشغول شد، وی پس از مدتی نزد خانواده اش بازگشت و به تشویق آنان خاطرات خود را نوشت که با اقبال عمومی هم روبرو نشد، اما مشهورترین اثر هرمان ملویل موبی دیک است که شاهکار ادبی او بشمار میرود، ملویل پنج ماه قبل از مرگ "رمان بیای باد" را بازنویسی کرد.

**4 - استقلال کشور بنین :-** بتاريخ اول اگست 1960 میلادی: کشور بنین استقلال یافت و این روز به نام روز ملی بنین خوانده شد، از سال 1859 میلادی فرانسه با بستن قراردادهای تجاری با بنین بر نفوذ خود در این کشور افزود و سپس به مداخله نظامی پرداخت، بنین که در گذشته داهومی خوانده می شد، در سال 1985 میلادی به عضویت جامعه خود مختار فرانسه درآمد و سر انجام در سال 1960 میلادی مستقل شد، این کشور در سالهای اخیر هیچ گاه آرامش به خود ندید و همواره درگیر مناقشات و زدوخوردهای سیاسی بود، در سال 1975 میلادی پس از کودتاهای پی در پی سرانجام رژیم جمهوری خلق در بنین اعلام شد و نام این کشور از داهومی به بنین تغییر یافت.

### روز شمار دوم ماه اگست

=====

**1 - در گذشت دنیس پاپن مخترع و مکتشف فرانسوی :-** بتاريخ دوم اگست سال 1714 میلادی: "دنيس پاپن" از جمله مخترعان و مکتشفان فرانسوی در 67 سالگی درگذشت، "دنيس پاپن" نخستین بار در تاریخ صنایع از قوه بخار برای ایجاد حرکت در موتور ماشین استفاده کرد، ماشین بخار "دنيس پاپن" اولین وسیله بخاری محسوب می شود که بر اساس آن بعدها موتور و کشتی بخاری ساخته شد.

**2 - در گذشت فریدریش هگل فیلسوف آلمانی :-** بتاريخ دوم اگست سال 1831 میلادی: "فریدریش هگل" فیلسوف آلمانی از دنیا رفت، او در پایان تحصیلاتش به مطالعه فلسفه پرداخت و همزمان با آن در دانشگاههای هایدلبرگ و برلین تدریس می کرد، فلسفه هگل بر سه اصل «تز، آنتی تز و سنتز» استوار است، او عقیده داشت که هستی بر اصل تضاد استوار است و هرچه در عالم خلقت می بینیم خودی در خود دارد که به آن دو، تز و آنتی تز و به ترکیب آنها سنتز می گویند، «هگل» فلسفه خود را در آثارش همچون «نمود شناسی ذهن، علم و منطق، فلسفه حق و دایرة المعارف علوم فلسفی» تشریح کرده است.

**3 - حمله فرانسویان به مواضع آلمان :-** بتاريخ دوم اگست سال 1870 میلادی: جنگ شش ماهه آلمان و فرانسه با حمله فرانسویان به مواضع آلمان آغاز شد، در این زمان ناپلئون سوم بفرانسه و ویلهلم اول بر آلمان حکومت می کردند، در این جنگها برخلاف انتظار نیروهای آلمانی، قوای فرانسه را شکست دادند و پس از تصرف شهر پاریس ناپلئون سوم را نیز به اسارت گرفتند، جنگهاي شش ماهه که در دو نوبت يك ماهه و پنج ماهه رخ داد با تحمیل قرارداد 1871 به فرانسه پایان یافت.

**4 - تشکیل کنفرانس پوتسدام :-** بتاريخ دوم اگست سال 1945 میلادی: در پی تسلیم آلمان نازی در پایان جنگ جهانی دوم کنفرانس پوتسدام تشکیل شد، در این کنفرانس نمایندگان سه کشور پیروز در جنگ جهانی اول یعنی آمریکا، انگلیس و شوروی سابق شرکت داشتند، بر اساس توافق حاصل شده در کنفرانس پوتسدام، آلمان از يك چهارم مساحت خود در سال 1937 میلادی محروم شد و مرز شرقی آن با پولند نیز محدود شد، این سرزمینهای مصادره شده به پولند و شوروی سابق ضمیمه شد.

### روز شمار سوم ماه اگست

=====

**1 - سفر اکتشافی کریستف کلمب :-** بتاريخ سوم اگست سال 1492 میلادی: کریستف کلمب دریانورد ایتالیایی بزرگترین سفر اکتشافی خود را آغاز کرد. کلمب برای یافتن راهی تازه به هندوستان از بندر پائولوس اسپانیا حرکت کرد و پس از سی و سه روز قدم به خشکی گذاشت، کلمب تصور کرد که به هندوستان رسیده است اما در واقع پای به قاره ای جدید گذاشته بود که بعد ها آمریکا خوانده شد.

**2 - جنگهاي داخلی در انگلستان :-** بتاريخ سوم اگست سال 1642 میلادی: جنگهاي داخلی انگلستان در زمان شارل اول آغاز شد، نیروهای درگیر جنگ قوای شارل اول و طرفداران مجلس انگلیس بودند، این جنگها سه سال به طول انجامید و سرانجام با اعدام شارل اول پایان یافت.

**3 - جزیره سیسیل ضمیمه خاک ایتالیا شد :-** بتاريخ سوم اگست سال 1860 میلادی: با همت گاریبالدی سردار میهن پرست ایتالیایی، جزیره سیسیل ضمیمه خاک ایتالیا شد، مردم سیسیل تا این زمان تحت سلطه فرانسوی دوم بودند و چون از استبداد و ظلم او به تنگ آمده بودند از گاریبالدی و سربازانش حمایت کردند، بدین ترتیب بعد از 80 روز جنگ سیسیل ضمیمه خاک ایتالیا شد.

**4 - عبور نخستین کشتی از کانال پاناما :-** بتاريخ سوم اگست سال 1914 میلادی: با عبور نخستین کشتی از کانال پاناما، این تنگه افتتاح شد، احداث کانال پاناما را فرانسوی ها آغاز کردند و آمریکاییان آن را به پایان رساندند با احداث کانال پاناما دو اقیانوس کبیر و اطلس به هم متصل شدند.

**5 - استقلال کشور آفریقایی نیجر :-** بتاريخ سوم اگست سال 1960 میلادی: کشور آفریقایی "نیجر" به استقلال رسید و عضو سازمان ملل متحد شد، نیجر از قرن هجدهم میلادی تحت سلطه فرانسه بود و در سال 1922 میلادی با تاسیس پایگاه های نظامی فرانسه در این سرزمین، مستعمره فرانسه شد ، اما بتدریج مردم طغیان کردند و سرانجام در چنین روزی مردم نیجر استقلال کامل کشورشان را باز یافتند. نیجر با لیبی، چاد، بنین، مالی و دلتای علیا هم مرز است.

### روز شمار چهارم ماه اگست

=====

**1 - شکست لشکریان هسپانیا و پرتگال از مراکش:** بتاريخ 4 اگست سال 1578 میلادي ، عبدالملك سلطان مراکش لشکریان فیلیپ دوم پادشاه هسپانیا و سباستین اول پادشاه پرتگال که قصد تصرف مراکش را داشتند در منطقه قصر الکبیر در هم شکست، پس از درگذشت سعیدین عبدالله آل غالب اوضاع در مغرب عربي بویژه مراکش ناآرام شد، محمد که لقب الملوخ داشت به عنوان جانشین وي بر تخت سلطنت فاس نشست اما دو برادر عبدالله آل غالب که در تبعید و در خدمت سلطان عثمانی بودند ، به دلیل بی کفایتی محمد به مراکش بازگشتند، بیگ الجزایر که تابع سلطان عثمانی بود برای به قدرت رسیدن دو برادر عبدالله به آنها کمک کرد، وي لشکري را در اختیار آنها گذاشت، این لشکر به آسانی تا دروازه هاي فاس پیشروي کرد و در همان نخستین درگیری ها لشکر محمد الملوخ تسلیم شد، در سال 1576 میلادي عبدالملك به عنوان سلطان مراکش به تخت سلطنت نشست، محمد برای کسب تاج و تخت از دست رفته نزد فیلیپ دوم پادشاه هسپانیا رفت ، فیلیپ دوم ابتدا تقاضای کمک به وي را نپذیرفت، محمد به سباستین اول پادشاه پرتگال متوسل شد و توانست موافقت وي را جلب کند، سباستین نیز به نوبه خود فیلیپ را متقاعد کرد تا لشکري را برای کمک به لشکریان پرتگالی در جنگ با مراکش اعزام کند، سباستین اول که در یک مدرسه مذهبی مسیحیان افراطی تحصیل کرده بود هدف دیگری از کمک به محمد داشت، او می خواست یک جنگ صلیبی علیه مسلمانان به راه بیندازد و اکنون این موقعیت را به دست آورده بود.

فیلیپ دوم پادشاه هسپانیا از این که شخصا در جنگ شرکت کند ، امتناع کرد اما لشکري از سربازان هسپانیایی را به کمک سباستین فرستاد در جون سال 1576 میلادي سباستین باکشتی های جنگی عظیمی به سوی مراکش حرکت کرد، سربازان وي در نزدیکی منطقه لاراش در ساحل پیاده شدند، عبدالملك که چندان به بیگ الجزایر اعتماد نداشت و می دانست وي به خاک مراکش نظر دارد ، با وي از در صلح درآمد و قوای خود را آماده مقابله با لشکریان مسیحی کرد، لشکریان هسپانیایی و پرتگالی به فرماندهی سباستین در منطقه قصر الکبیر در مقابل سپاه عبدالملك صف آرایي کردند، در جنگی که میان دو سپاه در روز 4 اگست سال 1578 میلادي در قصر الکبیر رخ داد ، 40 هزار سوار سپاه عبدالملك لشکریان هسپانیایی و پرتگالی را تار و مار کردند و هزاران نفر را اسیر گرفتند، سباستین در این جنگ کشته شد و هرگز جسد وي به دست نیامد و چون جانشینی نداشت ، فیلیپ دوم پادشاه هسپانیا کشور پرتگال را تصرف کرد و خود را شاه پرتگال نامید، عبدالملك نیز در این جنگ کشته شد ، اما برادرش احمد المنصور که جانشین وي بود ، بر تخت سلطنت مراکش نشست، به این ترتیب ، در روز 4 اگست سال 1578 میلادي عبدالملك سلطان مراکش با فدا کردن جان خود ، لشکریان هسپانیایی و پرتگالی که قصد تصرف خاک مسلمین را داشتند در قصر الکبیر در هم شکست، به لطف این پیروزی ، مراکش برای همیشه از بلندی پروازی های هسپانیایی ها و پرتگالی ها برای استیلا بر این کشور خلاص شد و در عین حال بیگ های الجزایر که تابع سلاطین عثمانی بودند از هدف خود برای تصرف مراکش چشم پوشی کردند.

**روز ششم پنجم ماه اگست**

=====

**1 - اختراع ماشین دیزل :-** بتاريخ پنجم اگست سال 1895 میلادي : ماشین دیزل اختراع شد، دکتور «رودلف دیزل» مخترع المانی، ماشین دیزل را اختراع کرد و با این اختراع بعدها انقلابی در جهان صنعت و اقتصاد پدید آورد، ماشین دیزل بدون استفاده از الکتریسیته ؛ و با سوخت ساده تر و نیروی بیشتر کار میکرد.

**روز ششم هشتم ماه اگست**

=====

**1 - استقلال جمهوری بولیوی :-** ششم اگست سال 1825 میلادي : جمهوری بولیوی پس از رهایی از استعمار هسپانیا اعلام استقلال کرد هسپانیا از قرن 16 میلادي بر بولیوی مسلط شد و از همان زمان استخراج معادن غنی این کشور را آغاز نمود، مردم بولیوی برای رهایی کشورشان از سلطه هسپانیا قیام های متعدد کردند که مهمترین آنها انقلاب «سیمون بولیوار» بود، سرانجام این قیام به استقلال بولیوی انجامید بولیوی به کشور هزار کودتا معروف است و با کشورهای پیرو، آرژانتین و برازیل هم مرز است .

**2 - استعمار نخستین بمب اتمی امریکا:-** بتاريخ ششم اگست سال 1945 میلادي : امریکا نخستین بمب اتمی را در اواخر جنگ جهانی دوم در هیروشیما جاپان منفجر کرد، در آن زمان ، ترومن رئیس جمهور وقت امریکا و سران نظامی این کشور برای تسلیم نهایی جاپان، تصمیم گرفتند که جاپان را بمباران کنند، بدین ترتیب اولین بمب اتمی را بر فراز شهر هیروشیما منفجر کردند و در لحظه انفجار بیشتر از 90 هزار تن کشته و 75 هزار نفر زخمی شدند و تا شعاع چند کیلومتر همه چیز به کلی ویران شده بود .

**3 - استقلال کشور جامائیکا :-** بتاريخ ششم اگست سال 1962 میلادي : کشور جامائیکا استقلال یافت ، جامائیکا را کریستف کلمب در سال 1492 میلادي کشف کرد و از قرن 12 تا 19 میلادي این کشور تحت سلطه هسپانیایی ها و انگلیسی ها بود ، اشغالگران برده های سیاه پوست را که در مزارع نیشگر کار می کردند ، جانشین بومیان این سر زمین کردند ، جامائیکا 4 سال پس از تشکیل فدراسین آنتیل یا کارائیب به استقلال رسید .

**روز ششم هفتم ماه اگست**

=====

**1 - رنسانس:-** بتاريخ هفتم اگست : ظهور مذهب پروتستان که منجر به درگیری های مذهبی در اروپا شد ، کشف قاره جدید امریکا و غارت منابع عظیم آن توسط هسپانیایی ها ، باعث شد تا سایر کشورهای بزرگ اروپا مانند فرانسه و انگلستان نیروی دریایی خود را تقویت کرده و کشتی های خود را برای کشف سرزمین های جدید عازم اقیانوس ها کنند.

در سال 1558 میلادي الیزابت تودور دختر آن بولین دومین همسر هنری هشتم پس از درگذشت وي ملکه انگلستان شد، در حالی که خواهر اندر اش ماری که حاصل ازدواج اول هنری هشتم با کاترین آراگون بود و با پادشاه هسپانیا فیلیپ دوم ازدواج کرده بود ، باید ملکه انگلستان می شد، از سوی دیگر کاتولیک های انگلیسی که پس از برقراری مذهب پروتستان در این کشور ، به شدت تحت فشار قرار گرفته بودند ، ماری استوارت ملکه کاتولیک اسکاتلند را وارث حقیقی تاج و تخت انگلستان می دانستند ، اما الیزابت اول دستور زندانی کردن ماری استوارت را داد و در سال 1587 میلادي فرمان قتل وي را صادر کرد.

قتل ماری استوارت یکی از عواملی بود که باعث شد فیلیپ دوم پادشاه کاتولیک هسپانیا تصمیم حمله به انگلستان را اتخاذ کند، با این حال حمله وي به انگلستان تنها به دلیل اختلافات مذهبی نبود، از سال های پیش ، با قدرت یافتن نیروی دریایی انگلستان ، کشتی های انگلیسی و کورسره های (زدان دریایی دولتی) انگلیسی مانند فرانسویس دریگ بی وقفه به کشتی های هسپانیایی که مملو از گنجینه های متصرفات هسپانیا در قاره امریکا بودند ، در اقیانوس اطلس حمله می کردند، همچنین در منطقه هالند و فلاندر که در تصرف هسپانیا بود ، فیلیپ دوم دائماً با شورش های هالندی ها مواجه بود و الیزابت اول از شورشیان هالندی حمایت می کرد، در سال 1585 میلادي ، فرانسویس دریگ با کشتی های خود به جزیره هسپانیایی سن دومینگو در دریای کارائیب حمله کرد و این جزیره و سپس شهر کارتاژن در ونزوئلا را غارت نمود، در راه بازگشت در سال 1587 میلادي ، دریگ بندر کادیس واقع در سواحل آندلس هسپانیا را به آتش کشید و حتی تعدادی از کشتی های جنگی هسپانیا را نابود کرد، وي در بازگشت ، توسط الیزابت درجه آدمیرال نیروی دریایی انگلیس را دریافت نمود، به این ترتیب کاسه صبر فیلیپ دوم لبریز شد و او تصمیم گرفت بزرگترین عملیات نظامی آن دوران را علیه انگلیس انجام دهد، نیروی دریایی هسپانیا که به «آرمادا» موسوم بود یک کشتی باشکوه از کشتی های جنگی بود، این کشتی از 130 کشتی جنگی تشکیل شده بود و از یک نیروی نظامی قدرتمند شامل 30000 کشتی بان و سرباز ، توپخانه قوی ، تجهیزات لازم برای محاصره شهر ها ، بیمارستان نظامی و غیره برخوردار بود، این کشتی عظیم تحت فرماندهی دوک

مدینا سیدونیا عازم انگلستان شد تا خاک انگلستان را تصرف کرده و شهر لندن را اشغال نماید، دوک مدینا سیدونیا یک فرمانده قوای نظامی زمینی بود و تجربه دریانوردی نداشت، اما در پی درگذشت سانتاکروز آدمیرال نیروی دریایی اسپانیا به فرمان فیلیپ دوم جانشین وی شد، در مقابل نیروی دریایی قدرتمند جنگی اسپانیا، پادشاهی انگلستان دارای یک نیروی دریایی شامل کشتی های جنگی ملکه و کشتی های تجاری بود که توسط صاحبان آنها برای مقابله با تهدید اسپانیا به نیروی دریایی اهدا شده بودند، نیروی دریایی اسپانیا و نیروی دریایی انگلیس قبل از این که کشتی اسپانیا به دریای مناس برسد، چهار بار با یکدیگر درگیر شدند اما هیچ یک از این درگیری ها تعیین کننده نبودند، تا این که نیروی دریایی اسپانیا در بندر کاله واقع در شمال فرانسه لنگر می اندازد، فاصله بندر کاله تا نزدیکترین بندر انگلیسی فقط 36 کیلو متر بود. در جریان شب 7 تا 8 اگست سال 1588 میلادی، انگلیسی ها با کشتی های مملو از مواد منفجره و مواد آتش زا با استفاده از تاریکی شب کشتی های اسپانیایی را در بندر کاله مورد حمله قرار دادند، این حمله ناگهانی وحشت و بی نظمی فراوانی را در کشتی جنگی اسپانیا ایجاد کرد. کشتی بان اسپانیایی برای فرار از شعله های آتش دستور دادند زنجیرهای لنگرها را قطع کنند کشتی اسپانیا در جریان شب پراکنده شد، هنگام بامداد دوک مدیناسیدونیا دوباره کشتی خود را جمع آوری کرد، این آغاز ماجرا بود که در سواحل بندر گراولینس انگلیس رخ داد، درگیری نهایی با انگلیس آغاز گردید، در جریان ساعت ها، توپخانه های ساحلی انگلیسی ها، کشتی اسپانیا را زیر آتش گرفتند، بی آن که کشتی های جنگی اسپانیا بتوانند در مواضع مناسبی برای پاسخ به آتش توپخانه انگلیسی ها مستقر شوند، بسیاری از کشتی های جنگی اسپانیا به شدت آسیب دیده و غرق شدند، سپس از بداقبالی اسپانیایی ها باد شدیدی از جنوب وزیدن گرفت و کشتی های اسپانیایی را به جهت شمال راند، دوک مدینا سیدونیا تصمیم گرفت بقیه کشتی های خود را نجات داده و به اسپانیا بازگردد، تنها مسیر ممکن برای بازگشت دور زدن اسکاتلند و ایرلند برای بازگشت به اسپانیا بود اما اوضاع جوی و دریا نیز با اسپانیایی ها همراه نبودند، ده ها کشتی اسپانیایی در سواحل ایرلند به صخره ها برخورد کردند و سرنشینان آنها توسط ایرلندی ها قتل عام شدند، تعداد اندکی از کشتی های جنگی آرمادا و افراد آن توانستند به اسپانیا بازگردند، به این ترتیب در روز 8 اگست سال 1588 میلادی کشتیهای جنگی دریایی شکست ناپذیر اسپانیا در مقابل بندر گراولینس انگلیس در هم شکسته شد، اگر باد و اوضاع جوی به کمک انگلیسی ها نمی آمدند، این کشتیهای جنگی هنوز آن قدرت را داشت که به خاک انگلستان حمله کند، زیرا مهمات انگلیسی ها به اتمام رسیده بود و آنها توان دفاع نداشتند، اما بادهای مخالف کشتیهای جنگی اسپانیا را به سوی شمال راندند، در غیر این صورت شاید جریان تاریخ تغییر می یافت.

### روز شمار هشتم ماه اگست

=====

**1- شکست کشتی دریایی اسپانیا :-** بتاريخ 8 اگست سال 1588 میلادی کشتی دریایی شکست ناپذیر اسپانیا که برای تصرف انگلستان اعزام شده بود در مقابل بندر گراولینس بر اثر آتش توپخانه ها و عملیات ایزایی انگلیس در هم شکسته شد، اعزام کشتی نیروی دریایی اسپانیا برای تصرف خاک انگلستان دلایل عذیبه ای داشت.

### روز شما نهم ماه اگست

=====

**1- تولد سال روز علوم کمپیوتری :-** بتاريخ 9 اگست 1927 میلادی: پروفیسور ماروین مینسکی Marvin Minsky دانشمند ریاضیات و علوم کامپیوتر به دنیا آمده و با کمک همکارانش Intelligence Artificial (هوش دست ساز) و لابراتوار مربوطه در انستیتوت تکنولوژی ماساچوست به وجود آورده که پیشرفت بزرگی در علوم کامپیوتر بشمار می رود، پروفیسور مینسکی تا سال 2003 هشت کتاب درسی در رشته های علوم کامپیوتر نیز تألیف کرده است.

**2- دومین بمب اتمی آمریکا بر هیروشیما:-** بتاريخ 9 اگست 1945، سه روز پس از فرود آمدن بمب اول بر هیروشیما بر ناگاساکی Nagasaki شهر دیگر جاپان افکنده شد که به علت وزش باد بر گوشه ای از شهر فرود آمد و یک سوم شهر از جمله کارخانه های فولادسازی و صنعتی «میتسوبی» را نابود کرد و دهها هزار تن کشته و مجروح شدند، اندکی پیش از بمباران دوم، در همین روز «هری ترومن» رئیس جمهوری آمریکا به دولت جاپان اخطار کرده بود که بمباران اتمی هیروشیما تنها یک هشدار بود که تسلیم شود و اگر چنین نکند این نوع بمباران تا نابودی کامل ظرفیت نظامی امپراتوری جاپان ادامه خواهد یافت، دولت جاپان این بمباران اتمی را عملی «غیر انسانی» خواند و از نقاط دیگر جهان هم صدای انتقاد شنیده شد، در آن زمان، آمریکا تنها دارنده سلاح اتمی بود، این دو حمله کشورهای دیگر را به فکر تولید چنین سلاحی انداخت؛ حتی اگر آن را بکار نبرند وسیله ای برای جلوگیری از حمله نظامی دیگران به آنها خواهد بود.

### روز شمار دهم ماه اگست

=====

**1 - جدا شدن کشور اتریش از کشور آلمان:-** بتاريخ 10 اگست 1806 کشور اتریش از آلمان جدا شد، بدین ترتیب امپراتور اتریش سلطنت خود را بر آلمان از دست داد، امپراتور اتریش پس از جدایی آلمان با عنوان فرانسوای اول حکومتش را بر اتریش آغاز کرد، جدایی آلمان از اتریش و استقلال کشور اتریش از نتایج مهم ایجاد اتحادیه امارات منطقه رن در جولای همان سال یعنی 1806 میلادی بود و سرانجام هم به انحلال امپراتوری مقدس روم و جرمن انجامید.

**2 - استقلال کلمبیا از اسپانیا :-** بتاريخ 10 اگست سال 1819 میلادی: کلمبیا به استقلال رسید، این سرزمین در قرن 15 میلادی بدست کاشفان هپانیایی کشف شد و از همان زمان تحت سلطه و نفوذ این کشور قرار گرفت، مبارزات آزادیخواهانه مردم کلمبیا از سال 1781 میلادی آغاز شد، اما از نیمه دوم قرن 19 با رهبری سیمون بولیوار به نتیجه رسید، بولیوار در کنار مردم کلمبیا سالها با اشغالگران هپانیایی مبارزه کرد و سرانجام بر آنها پیروز شد و به حکومت هپانیادر کلمبیا خاتمه داد.

**3 - اعلام نظام جمهوری در اکوادور:-** بتاريخ 10 اگست سال 1822 میلادی: سرزمین اکوادور پس از شکست خوردن از قوای استعمارگر اسپانیا به عضویت سازمان فدراسیون کلمبیایی بزرگ درآمد، این فدراسیون که متشکل از پاناما، کلمبیا و ونزوئلا بود بعد از مدتی به خواست کلمبیا منحل شد، در پی آن سیاستمداران این کشور نظام جمهوری را در اکوادور اعلام کردند و خوان خوزه فلوره نیز نخستین رئیس جمهور این کشور شد، اکوادور با مساحتی حدود 284000 کیلومتر مربع در شمال غربی آمریکای جنوبی واقع است.

**4 - جنگ بین جاپان و چین :-** بتاريخ 10 اگست سال 1937 میلادی: امپراتوری جاپان و جمهوری چین جنگهای دوساله کانتون را آغاز کردند، این جنگها بر سر تصرف کانتون و تیانگ تسه دو قسمت از اراضی مهم سرزمین چین، میان دو امپراتوری درگرفت، در جنگهای کانتون چینی ها به سختی به دفاع و مبارزه برخاستند و خسارات جانی و مالی فراوان دیدند؛ اما سرانجام شکست خوردند و بندر کانتون سقوط کرد، کانتون از بندرهای مهم و پراورش صادراتی - وارداتی چین جنوبی محسوب می شد.

**5 - اشغال کشور کره شمالی توسط شوروی ها:-** بتاريخ 10 اگست سال 1945 میلادی: قوای نظامی شوروی نواحی شمالی سرزمین کره را تا مدار 38 درجه تصرف کرد، پس از شکست نهایی جاپان در جنگ جهانی دوم و به موجب تصمیمات اتخاذ شده در کنفرانس پوتسدام کره شمالی به تصرف قوای شوروی درآمد، در همین زمان بخش جنوبی شبه جزیره کره را نیروهای آمریکایی اشغال کردند و این اقدامات اشغالگرانه

زمینه ای برای تجزیه کره به دو کشور شمالی و جنوبی بود، گفتنی است که دو کره در سال 1991 میلادی به موجب پیمانی که به قرارداد آشتی، عدم تجاوز، مبادله و همکاری موسوم است موجبات وحدت مجدد دو بخش کره را فراهم آوردند.

## روز شمار یازدهم ماه اگست

=====

**1 - استمال بمب هیدروجنی :-** بتاریخ (11 اگست سال 1953 میلادی : شوروی نخستین بمب هیدروجنی را آزمایش کرد و برتری نظامی به دست آورد، در لحظه انحلال شوروی در سال 1991 تعداد سلاحهای هسته ای روسیه بیش از کشورهای دیگر بود، همین طور تعداد زیردریایی های آن.

## روز شمار دوازدهم ماه اگست

=====

**1 - احداث دیوار برلین :-** در شب تاریخی 12 تا 13 اگست سال 1961 میلادی مقامات جمهوری دموکراتیک المان (المان شرقی) دستور احداث استحکاماتی را صادر کردند که منطقه برلین تحت کنترل اتحاد شوروی را از منطقه تحت کنترل امریکا ، انگلیس و فرانسه جدا می کرد، مأموران پلیس و کارگران در دسته های انبوه با عجله تمام ورودی های جاده ای میان منطقه تحت اشغال اتحاد شوروی و منطقه تحت اشغال امریکا ، انگلیس و فرانسه را مسدود کردند، آنها یک دیوار بتونی احداث کردند ، سیم های خاردار نصب نمودند ، خندق حفر کردند و همزمان ارتباط خطوط آهن را مسدود نمودند، از آن هنگام برلین به 2 بخش تقسیم گردید که یک بخش برلین شرقی و بخش دیگر برلین غربی نام گرفتند، اهالی دو بخش برلین صبح روز 13 اگست پس از ورود به جاده ها با تعجب استحکاماتی را مشاهده کردند که همشهری ها و خانواده ها را از یکدیگر جدا کرده بود، والدین از فرزندان خود جدا شدند و حتی تعداد زیادی زن و شوهر که به دلایل شغلی یا بر حسب تصادف ، شب قبل در بخش دیگر برلین به سر برده بودند ، از یکدیگر جدا افتادند، در روزهای بعد ، در میان تعجب جهان غرب و مردم برلین ، مقامات المان شرقی جداسازی دو برلین را کامل کردند و با مسدود کردن پنجره ها و درهای ساختمان هایی که در خط حائل واقع شده بودند ، روزنه ای را میان دو بخش برلین باقی نگذاشتند، افکار عمومی غرب بلافاصله این استحکامات را « دیوار شرم » نامیدند که سال ها بعد به دیوار برلین شهرت یافت این دیوار به طول 45 کیلو متر پیرامون برلین غربی کشیده شد و 120 کیلو متر در سایر مناطق المان شرقی که به المان غربی منتهی می شد ، امتداد یافت، به این ترتیب واژه « پرده آهنین » که چرچیل به محض پایان جنگ جهانی دوم آن را به کار گرفته بود ، تحقق یافت حکومت کمونیستی المان شرقی می خواست با احداث این دیوار مانع از فرار اتباع خود به سوی جمهوری فدرال المان (المان غربی) شود، از هنگام تجزیه المان و به وجود آمدن 2 کشور المان شرقی و المان غربی در سال 1949 میلادی دستکم 3 میلیون نفر از ساکنان جمهوری دموکراتیک المان به بخش غربی فرار کرده بودند، پس از احداث دیوار برلین علی رغم برقراری موانع امنیتی مختلف ، مانند مناطق مین گذاری شده ، سیم های خاردار الکتریکی ، مناطق ممنوعه که با شن نرم سطح آن پوشیده شده بود تا اثر گام ها بر آن معلوم باشد ، برج های نگهبانی در فواصل نزدیک به هم هزاران نفر از مردم برلین شرقی برای نجات یا دست یافتن به رفاه بیشتر تلاش کردند این موانع را پشت سر گذاشته و به برلین غربی فرار کنند، اما هزاران نفر از آنها در این راه شکست خوردند و توسط رگبار مسلسل های نگهبانان مرزی که در برج ها نگهبانی می کردند ، کشته شدند، باین حال از زمان احداث دیوار برلین تا زمان اتحاد دوباره 2 المان حدود 5000 نفر موفق شدند از این استحکامات مهیب عبور کرده و خود را به برلین غربی برسانند.

به این ترتیب در شب 12 تا 13 اگست دیوار برلین احداث شد و مدت 28 سال همشهری ها و خانواده ها را از هم جدا کرد تا این که در روز 9 نوامبر سال 1989 میلادی در پی شورش غیرقابل کنترل مردم برلین شرقی بخش هایی از دیوار تخریب شد و راه عبور میان 2 برلین دوباره گشوده شد، سقوط دیوار برلین مقدمات فروپاشی رژیم برسر اقتدار کمونیستی در کشورهای اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی بود.

## روز شمار سیزدهم ماه اگست

=====

**1 - فرمان برای جلوگیری از بروز جنگهای مذهبی در فرانسه :-** بتاریخ 13 اگست سال 1598 میلادی: هانری چهارم شاه فرانسه فرمان "نانت" را صادر کرد، این فرمان برای جلوگیری از بروز جنگهای مذهبی در فرانسه صادر شد، در فرمان نانت به پروتستانها آزادی مذهبی اعطا شده بود، فرمان تاریخی و مهم نانت در زمان لویی 14 در سال 1685 میلادی لغو شد.

**2 - بنیانگذار پرستاری جدید :-** بتاریخ 13 اگست سال 1910 میلادی: فلورانس نایتینگل بنیانگذار پرستاری در 90 سالگی درگذشت، فلورانس از مردم ایتالیا بود ولی بعدها ملیت انگلیسی ها را انتخاب کرد، در سال 1856 میلادی در جنگهای کریمه که میان امپراتوری عثمانی و دولت تزاری روسیه روی داد، نایتینگل عده ای را برای پرستاری از مجروحان به منطقه جنگی برد و خود نیز به کمک و راهنمایی آنان شتافت، بدین ترتیب پرستاری جدید را بنیان گذاشت.

**3 - استقلال کشور آفریقای مرکزی از فرانسه :-** 13 اگست سال 1960 میلادی: کشور آفریقای مرکزی استقلال خود را از فرانسه بازپس گرفت آفریقای مرکزی که در گذشته بانکی شاری نامیده می شد در قرن 19 میلادی ضمیمه مستعمرات آفریقای فرانسه شد اما سرانجام در سال 1960 میلادی استقلال یافت.

**4 - آغاز احداث دیوار برلین :-** بتاریخ 13 اگست سال 1961 میلادی: احداث دیوار برلین آغاز شد، این دیوار برلین شرقی را محصور کرد، برلین پس از جنگ جهانی دوم به اشغال قوای روسیه، انگلستان، فرانسه و امریکا درآمد، در سال 1961 میلادی شوروی که سراسر برلین و راههای ورودی به این شهر را اشغال کرده بود آن را بطور یکجانبه به المان شرقی واگذار کرد و دولت المان شرقی هم بلافاصله بسیاری از گذرگاههای بین دو برلین را مسدود ساخت و رفت و آمد را ممنوع اعلام کرد، احداث دیوار برلین به طول 15 کیلومتر و ارتفاع 5/2 متر میان دو بخش برلین از مهاجرت ساکنان برلین شرقی به برلین غربی جلوگیری می کرد، گفتنی است که دیوار برلین در سال 1989 فرو ریخته شد.

## روز شمار چهاردهم ماه اگست

=====

**1 - استخراج بنزین توسط شیمیدان انگلیسی :-** 14 اگست سال 1825 میلادی: مایکل فارادی فیزیکدان و شیمیدان انگلیسی بنزین را از نفت استخراج کرد، بنزین از مهمترین مشتقات نفت است و اهمیت اقتصادی و صنعتی بسیار دارد، فارادی پس از آزمایشهای متعدد سرانجام موفق به استخراج بنزین از نفت شد، فارادی از جمله نخستین دانشمندان بمشاری رود که نظریه اتمی خود را بیان کرد و در آن اتم را محور همه نیروها دانست.

**2- جاپان تسلیم متفقین شد :-** بتاریخ 14 اگست سال 1945 میلادی: جاپان در جنگ جهانی دوم تسلیم متفقین شد، بدین ترتیب جنگی که از سال 1939 میلادی با حملات نیروهای مسلح المان نازی به پولند آغاز شده بود، در جاپان خاتمه یافت، امریکا و جاپان از دسامبر سال 1941 میلادی درگیر نبردی سهمگین شدند و سرانجام امریکا با انفجار بمبهای اتمی بر فراز شهرهای هیروشیما و ناگازاکی جاپان این کشور را وادار به تسلیم کرد.

**3 - تقسیم کشور پاکستان به دو بخش شرقی و غربی:-** 14 اگست سال 1947 میلادی: کشور پاکستان پس از اعلام استقلال به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد، در حال حاضر بخش غربی به پاکستان و بخش شرقی به بنگلادش مشهور است و هر یک کشوری مستقل بشمار می رود، در قرن اول هجری یعنی در سال 94 هجری مطابق با 712 میلادی دین اسلام وارد پاکستان شد همزمان با تسلط انگلستان بر شبه قاره هند، کشور پاکستان نیز به تصرف درآمد. از آغاز قرن پنجم تا قرن سیزدهم در شبه قاره هند که پاکستان تا سال 1947 م جزو آن بود، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی قلمداد می گردید و در این مدت کتب زیادی به زبان فارسی نوشته شد، کشور پاکستان و هندوستان تا سال 1236 ش (1947 م) که سال تاسیس این دو واحد سیاسی است، سرنوشت تاریخی مشترکی دارند پس از چند قرن استعمار انگلستان، نهضتی اسلامی بنام مسلم لیگ (اتحادیه اسلامی) برای استقلال هند و بعداً برای تأسیس یک کشور اسلامی به وجود آمد. و در این سال بود که به رهبری محمد علی جناح پاکستان در صحنه سیاسی جهان ظاهر گردید، در سال 1947 م. رهبر این اتحادیه، (محمد علی جناح)، توانست حکومتی را از سوی پادشاه وقت در پاکستان غربی (پاکستان فعلی) و پاکستان شرقی (بنگلادش) برقرار سازد. در سال 1948 در پی اختلافات پاکستان و هند بر سر منطقه جمو و کشمیر روابط دو کشور تیره شد. در سال 1956 میلادی (مطابق 1335 خورشیدی) جمهوری پاکستان اعلام موجودیت کرد و از اعضای کشورهای مشترک المنافع شد، پاکستان از آغاز شامل دو بخش شرقی و غربی بود که این دو بخش صدها کیلومتر با هم فاصله داشتند ولی چون مردم قسمت شرقی احساس نمودند که حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنان توسط قسمت غربی رعایت نمی شود، به قیام و شورش برخاسته که در این جریان، هند از بنگالیها حمایت نمود و در سال 1971 م (1350 ش) جنگی بین هند و پاکستان آغاز شد که به شکست پاکستان و استقلال بخش شرقی با عنوان بنگلادش منجر گردید. پس از آن که اعضای این سازمان بنگلادش را به رسمیت شناختند پاکستان به نشانه اعتراض از سازمان یاد شده خارج شد، بنگلادش تا سال 1971 م به عنوان بخش شرقی پاکستان تحت قلمرو این کشور بود تا اینکه در این سال به رهبری شیخ مجیب الرحمن و پس از مبارزات گسترده ای، بنگلادش در صحنه سیاسی پدیدار شد، سبب نارضایتی مردم از حکومت پاکستان که در بخش غربی مستقر بود موارد متعددی است که به پاره ای از آنها اشاره می گردد:

- 1- بنگالی ها 56% کل پاکستان را تشکیل می دادند و خواهان آن بودند تا زبان بنگالی زبان رسمی باشد، حال آنکه زبان اردو به عنوان زبان رسمی انتخاب شده بود.
- 2- مرکز نظامی، اداری، سیاسی و اقتصادی اکثراً در دست افراد پاکستان غربی بود، به عنوان مثال 85% مقام های کشوری به اهالی پاکستان غربی اختصاص داشت.
- 3- بیشتر درآمدهای مردم بنگلادش (ناحیه شرقی پاکستان) جهت رفاه پاکستان غربی صرف می شد و اصولاً بنگال شرقی بصورت تولید کننده مواد خام باقی ماند و از برنامه های صنعتی و توسعه اقتصادی بازمانده بود.

### روز شمار پانزدهم ماه اگست

=====

**1- استقلال کشور، کره :-** بتاريخ 15 اگست سال 1945 میلادی: کشور کره از استیلاي جاپان خارج شد و پس از چندي به استقلال رسید، پس از پیروزي جاپان در نخستین جنگ با چین، کره رسماً به امپراتوری جاپان ملحق شد، در مارچ سال 1919 میلادی به دنبال فوت آخرین امپراتور کره گردهمایی عظیمی با شرکت 2 میلیون تن درسئول برگزار شد که در آن مردم کره خواستار استقلال کشورشان شدند، اما جاپانی ها با نهایت قدرت استیلاي خود را بر کره حفظ کردند، سرانجام در زمان دومین جنگ چین و جاپان و جنگ جهانی دوم پایه های نفوذ آن کشور در کره به سستی گرایید و نیروهای استقلال طلب کره در سراسر چین پراکنده شدند و به جاپان اعلام جنگ دادند، اما سرانجام در چنین روزی برجاپان پیروز شدند و روز ملی کره اول مارچ اعلام شد.

**2 - استقلال کشور هندوستان :-** بتاريخ 15 اگست سال 1947 میلادی: سرزمین هندوستان پس از سالها درگیری و زدو خورد موفق به کسب استقلال از انگلستان شد، در این روز نایب السلطنه هند که نیابت پادشاه انگلستان را داشت استقلال هند و پاکستان را اعلام کرد، قبل از این تقسیم بندي، گاندي و محمد علي جناح رهبر مسلمان هند درباره تقسیم شبه قاره هند به دو دولت «هندو و مسلمان» به توافق نرسیده بودند، پس از این جداسازی ایالات بنگال شرقی، سند، پنجاب، سرحدی، بلوچستان و چند ایالت دیگر خواستار تشکیل دولت مسلمان شدند و بدین ترتیب کشور پاکستان در دوسوی شرقی و غربی تشکیل شد.

**3- استقلال کشور بحرین :-** بتاريخ 15 اوت سال 1971 میلادی: پس از سفر نماینده سازمان ملل متحد به کشور بحرین و با جلب رضایت دولتهای ایران و انگلیس مستقل شد، بحرین منتهای متعلق به ایران بود ولی به سبب توسعه نفوذ سیاسی انگلیس در آسیا و نیاز این کشور به حفظ راه آبی هندوستان از طریق خلیج فارس، بحرین تحت الحمایه انگلیس شد و سرانجام هم در چنین روزی به استقلال رسید، بحرین با 598 کیلومتر مربع مساحت در حوزة خلیج فارس واقع است و نزدیکترین همسایه آن کشور عربستان سعودی است که در غرب آن واقع شده و با پل به آن متصل است، در شرق بحرین نیز کشور قطر قرار دارد، محصولات اساسی بحرین میوه جات، سبزیجات و خرماست و به سبب وجود معادن نفت و گاز صنعت پالایش نفت نیز در این کشور فعال است.

### روز شمار شانزدهم ماه اگست

=====

**1 - دستگیری " لورکا" شاعر هسپانیایی:-** بتاريخ - 16 اگست سال 1936 میلادی: فدريكو گارسيا لورکا شاعرو نمایشنامه نویس بلند آوازه هسپانیایی دستگیر و پس از چندي به جوخه اعدام سپرده و تیرباران شد، " لورکا" در گراندئا متولد شد، از زمان انتشار ترانه های کولی نخستین کتاب شعر " لورکا" در سال 1928 میلادی او در زمره مشهورترین نویسندگان زمان خود قرار گرفت، " لورکا" به سبب خلاقیت در آثار هنری اش و نیز به خاطر دفاع از مظلومان در مبارزات اجتماعی و عدالت خواهانه مورد تحسین جهانیان است، او عاشق شعر و موسیقی بود و ادبیات را با همه وجودش می کاوید و در کنار آن از احداث طبیعت که در موسیقی آنها را می یافت در هماهنگی بخشیدن به نوشته ها و نمایشنامه هایش سود می جست، ادبا در تجلیل از لورکا، او را غزل ادبیات هسپانیا لقب داده اند از مهمترین آثار " لورکا" شعر «شاعر در نیویورک و نمایشنامه تماشاچی» را می توان نام برد.

**2 - استقلال کشور قبرس :-** بتاريخ 16 اگست سال 1960 میلادی: کشور قبرس به استقلال رسید، قبرس که در مقابل ساحل ترکیه و سوریه واقع شده است از شمال با ترکیه و از شرق با سوریه و لبنان مرز مشترک دارد، این کشور که دارای نظام جمهوری است سرانجام پس از سالها، زدو خورد و درگیری در روز 16 اگست سال 1960 میلادی به استقلال رسید و روز ملی آن اول اکتبر تعیین شد، قبرس امروزی به دو بخش تقسیم شده است، بخش یونانی در جنوب با بیش از 5000 کیلومتر مربع مساحت و بخش ترکی در شمال با 3600 کیلومتر مربع مساحت واقع شده است، محصولات اساسی قبرس، حبوبات، انگور، مرکبات، توت زمینی و زیتون است، این کشور دارای معادن غنی مس و آهن نیز هست.

### روز شمار هفدهم ماه اگست

=====

**1- استقلال کشور اندونزیای:-** بتاريخ 17 اگست سال 1945 میلادی: مردم "اندونزیای" قیام سراسری خود را برای کسب استقلال و آزادی سرزمینشان از سلطه و استعمار "هالند" آغاز کردند، مردم "اندونزیای" به رهبری « احمد سوکارنو» مدت 4 سال مبارزه کردند و در این مدت

سازمان ملل دولت کشور هالند را وادار به تشکیل حکومتی به نام اتحادیه ( اندونزی یا - هالند ) کرد، در سال 1956 میلادی جمهوری "اندونزی" که در گذشته هند هالند یا ( هند شرقی) خوانده می شد، اتحادیه ( اندونزی یا - هالند ) را منحل و استقلال خود را اعلام کرد، پس از آن « احمد سوکارنو» ارمقام نخستین رئیس جمهور "اندونزی" کار خود را آغاز کرد، "اندونزی" در جنوب شرقی آسیا واقع است.

**2- کشته شدن رئیس جمهور پاکستان:-** بتاريخ 17 اگست سال 1988 میلادی: ضیاء الدین رئیس جمهور پاکستان با 29 تن از همراهانش در سانحه هوایی کشته شد، پس از این حادثه غلام اسحاق خان رئیس مجلس سناي پاکستان بر طبق قانون اساسي این کشور جانشین موقت ضیاء الحق شد، ضیاء الحق بعد از اجرای کودتا برضد ذوالفقار علي بوتو حکومت را در پاکستان بدست گرفته بود.  
روز شمار هجدهم ماه اگست  
=====

**1 - سالروز مرگ چنگیز خان مغل:-** بتاريخ 18 اگست سال 1227 میلادی (3 رمضان 624 هجری)، چنگیز خان مغول پس از تصرف سرزمین هایی از چین تا حاشیه اروپا، در 72 سالگی درگذشت، گروه بین المللی مامور کشف گور چنگیز خان مرکب از تاریخدانان، جغرافیون و باستانشناسان پس از چهل سال بررسی سرانجام این گور را در تپه ای در 260 کیلومتری شمالشرقی اولان باتور (پایتخت جمهوری مغولستان) و به فاصله نزدیکی از زادگاه وی (دامنه کوههای لیبانتشان، نزدیک شهرک باتشیریت، ایالت هنتی Hentii) کشف کرده اند که به صورت یک اطاقک 3 در 3 در 4 متری سنگی در عمق دو متری و در نزدیکی قله تپه است و در اطراف آن، قبور سنگی متعدد وجود دارد تا یافتن قبر چنگیز دشوار باشد، چنگیز خان هنگام تعقیب جلال الدین خوارزمشاه که لشگریان او را در منطقه پروان (افغانستان فعلی) شکست داده بود تا رود سند، به علت ناسازگار بودن آب و هوای این منطقه (پاکستان امروز) بیمار شده بود و پس از بازگشت به زادگاه خود، هنگام شکار نیز از اسب افتاده بود و این دو عامل باعث مرگ او شد، اما پیش از مرگ "گوریلتا (نشست)" سران مغول را تشکیل داده بود و وصیت های خود را کرده بود از جمله تاکید کرده بود که مجموعه قوانین وی، دزاساک (یاسا)، دقیقاً رعایت شوند مخصوصاً که در قلمرو مغول با دروغ، دزدی و تجاوز به زنان شوهر دار باید شدیداً مبارزه شود، پیش از توسل به خشونت باید دست کم یکبار اخطار داده شود، دانشمندان، ادیبان و آگاهان - هر کس که می خواهند باشند باید به خدمت گرفته شوند و بدون مشورت با آنان کاری صورت نگیرد. در وحدت سران مغول کوچکترین خللی نباید به وجود آید. قوم مغول در هرجا که باشد باید از زندگی در داخل شهر و آلوده شدن به مفاصد شهری جدا امتناع کند و زندگانی چادر نشینی و یا به دور از شهر را از دست ندهد و .... قدیمی ترین یاسای چنگیزی به خط ایغوری نوشته شده است، در آخرین قوریلتای زمان چنگیز، دو پسر از سه پسر اصلی و زنده او Ogodei (اگدای یا اکتای) و Toluy (تولی یا تولوی) شرکت داشتند. "جوجی" پسر بزرگ او و فاتح روسیه و خزر پیش از تشکیل این نشست درگذشته بود و پنج پسر دیگر چنگیز از زنان غیر رسمی بودند که نقش مهمی به آنان واگذار نمی شد، نام چنگیز که موفق به متحد کردن اقوام مغول و سپس تصرف سرزمین های ترک نشین و آنگاه شمال شرقی و شرق ایران شد در ابتدا "تموچین" بود، در غرب نام او را گنگیز (Genghis) تلفظ می کنند، چنگیز خان که بیم داشت روزگاری دشمنانش گور او را بیابند و بقایای جسدش را بیرون بیاورند و روح او تا ابد ناراحت باشد محرمانه دستور داده بود که همه کسانی که در ساختن گور او و مراسم تشییع و تدفین جنازه شرکت کنند کشته شوند و این وصیت پس از مراسم تدفین به دست "اگدای" انجام گرفت و به همین جهت چهل سال طول کشید تا هیات بین المللی گور او را پیدا کند، جغتای (Jaghatay) که در میان سه پسر اصلی چنگیز کوچکتر از همه بود در آخرین "قوریلتای" شرکت نداشت، وی که در عملیات رود سند در کنار پدر بوده همانجا مامور شد که سند، مکران و کرمان را تصرف کند تا بعداً جلال الدین خوارزمشاه از آنها به صورت پایگاه استفاده نکند و جغتای کرمان را در سال 1222 میلادی متصرف شد، غارت کرد و ویران ساخت تا چیزی برای جلال الدین باقی نماند، مورخان ضمن تاکید بر خونریزی بودن و شقاوت چنگیز خان در عین حال وی را مردی باهوش و دارای عزم و اراده نیرومند دانسته اند.

روز شمار نهم ماه اگست  
=====

**3 - استرداد استقلال افغانستان:-** بتاريخ 19 اگست سال 1919 میلادی مطابق 28 اسد سال 1298 خورشیدی: وطن عزیز مان افغانستان به استقلال رسید، تا قبل از این تاریخ افغانستان 30 سال تحت حمایت دولت انگلستان بود زیرا تنها راه انگلیس برای حفظ راههای ارتباطی اش با هند در تصرف داشتن افغانستان بود، در اوایل قرن 19 میلادی میان کشورانگلیس و افغانستان جنگهای متعددی درگرفت که سرانجام به استقلال افغانستان انجامید، از آن به بعد افغانستان با بحرانهایی بسیارروبرو شد و کودتاهای متعددی در کشورعزیز مان روی داد که هر یک به نوعی افغانستان را به سمت سیاستهای انگلیس و روسیه سوق داد، گفتنی است که افغانستان بتاريخ 27 دسمبر سال 1979 میلادی مطابق 6 جدی 1358 خورشیدی به منظور دفع تجاوزاتراف افغانستان و براساس تقاضای دولت افغانستان به اشغال ارتش سرخ شوروی درآمد تا اینکه بر اساس مذاکره ژنو تاریخی 14 اپریل سال 1988 میلادی مطابق 25 حمل 1367 خورشیدی که در آن مجلس وزرای خارجه کشور های افغانستان، پاکستان، اتحادشوروی و ایالات متحده امریکا گرد آمده بودند و توافق نامه های را امضا نمودند که در ظرف 9 ماه نیروهای نظامی اتحادشوروی خاک افغانستان را ترک گوید و بتاريخ 15 فبروری 1989 میلادی مطابق 26 دلو 1368 خورشیدی یکصدویست هزار جنرال، افسر و سرباز قشون سرخ پس از تقریباً 9 سال اقامت در افغانستان بلاخره از افغانستان خارج شدند و آخرین فرد آنها جنرال بوریس گروموف قوماندان عمومی اردوی 40 بتاريخ 16 فبروری پل دوستی حیرتان را عبور کرد در جریان سالهای اقامت قوای اتحادشوروی بیشتر از پانزده هزار نفر این قشون به خاک و خون کشانده شدند و بیشتر از چهل هزار نفر زخمی و معیوب گردیدند و هزاران نفر اسیر و لادردک شدند، مصارف جنگی آن به 70 بیلیون دالر بالغ گردید که بیشتر از 25 فیصد عواید خالص شوروی بود.

داکتر نجیب الله رئیس جمهور افغانستان روز 26 دلو را روز نجات ملی اعلان نمود زیرا که آمدن قوتهای شوروی در افغانستان و اقامت طولانی آنها را باعث جنگهای و خونریزی های بیشتر میدانست و علاوه میگردد که در طول مدت جنگ حدود 45000 نفر حزبی جانهای شریین خود را در راه دفاع از وطن از دست دادند بعد از شهادت دکتور نجیب در سال 1992 میلادی، گروه های مختلف مجاهدین به شمول طالبان بعد از سالها درگیریهایی داخلی، و خونریزی با مداخله و حملات نظامی امریکا و انگلیس مخصوصاً بعد از واقعه 11 سپتمبر 2001 و اشنگتن مواجه شدند این حملات با 25 راکت کروز در تأسیسات طالبان ساعت 9 شب بوقت افغانستان روز یکشنبه مورخ 7 اکتوبر 2001 میلادی و 15 میزان 1380 خورشیدی در کابل، قندهار، جلال آباد آغاز شد، و در سایر شهب ها متواتر ولایات، قندوز، فراه، هرات، سمنگان، نیمروز، شیرخان، مزارشرف، جوزجان برای ساعت ها ادامه داشت و همچنان بم افکن های امریکائی در کوه توره بورا در نزدیک شهر جلال آباد تا روز پنجشنبه 6 دسمبر 2001 میلادی مطابق پنجشنبه 15 قوس 1380 خورشیدی بدون وقفه ادامه داشت که، به اثر بم افکن ها در افغانستان بسیاری از مردم در هوای سرد آواره و تعدادی زیادی کشته و معیوب بجا گذاشته است و گروه طالبان طی هفته ها شکست یافت و فراری شدند، و پس از آن نیروهای کرزی رئیس جمهوربرسرکارآمد و تلاش می کند که نابسامانیهای سیاسی و اجتماعی این کشور را سامان دهد.

روز شمار بیستم ماه اگست  
=====

**1 - سالروز بانی استقلال چیلی :-** بتاريخ 20 اگست سال 1778 میلادی : برناردو او هیگینز Bernardo O' Higgins بانی استقلال کشور چیلی به دنیا آمد، وی صاحب منصب نیروهای نظامی محلی وابسته به دولت هسپانیا بود که در سال 1810 میلادی به جنبش استقلال طلبان

چلی پیوست ، اما در جنگی که روی داد از نیروی اعزامی هسپانیا که چلی را یک مهاجر نشین خود می دانست شکست خورد و به پیرو گریخت، وی در جنگ بعدی هم از هسپانیا شکست خورد و باز از عقیده اش عدول نکرد و در سومین جنگ پیروز شد و به عنوان نخستین رئیس جمهوری چلی انتخاب گردید، وی مردی لیبرال و هوادار اصلاحات ارضی و بر ضد فئودالیسم و اشرافیت بود که برنامه تقسیم اراضی و اعطای حقوق برابر را به مردم دشمنی مالکان بزرگ اراضی و ثروتمندان برانگیخت ؛ به گونه ای که ادامه حکومت برایش دشوار شده بود ، برناردو برای سرکوب مخالفان به خشونت متوسل نشد و به خاطر بقاء چلی و پایان دو دستگی در جامعه از ریاست کشور کناره گیری کرد و به پیرو رفت و تا پایان عمر همانجا ماند. او در سال 1842 میلادی فوت شد.

## روز شمار بیست و یکم اگست

=====

**1- اشغال چکسلواکی، پایان بهار پراگ :-** بامداد روز 21 اگست سال 1968 میلادی مردم اروپا حیرت زده از خواب برخاستند، لشکرهای زرهی پیمان ورشو شامل 300000 سرباز به دستور لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی شب قبل کشور چکسلواکی را اشغال کرده بودند، مهاجمان به پنج کشور شوروی ، پولند ، بلغارستان ، المان شرقی و مجارستان اعضای پیمان ورشو تعلق داشتند، کشور چکسلواکی (جمهوری چک و جمهوری اسلواکی کنونی در آن زمان کشور واحد چکسلواکی را تشکیل می دادند) نیز عضو پیمان ورشو بود، نیروهای مهاجم ادعا می کردند به درخواست مقامات چکسلواکی برای نجات سوسیالیسم در این کشور اروپای مرکزی دست به اقدام نظامی زده اند، سیستم سوسیالیستی که سالیان پیش از این تاریخ توسط اتحاد جماهیر شوروی و با یک کودتا به چکسلواکی تحمیل شده بود، در 25 فیبروری سال 1948 میلادی انوارد بنش رئیس جمهور جمهوری چکسلواکی پس از دو هفته فشار بی امان و آشکار اتحاد شوروی ناگزیر شد قدرت را به حزب کمونیست و رهبر آن گوتوالد تسلیم کند، در میان تمام کشورهای اروپای مرکزی که پس از آزادی از دست نازی ها به اشغال شوروی درآمده بودند ، چکسلواکی تنها کشوری بود که یک سیستم دمکراتیک و در عین حال یک حزب کمونیست قدرتمند داشت، حزب کمونیست چکسلواکی در انتخابات عمومی سال 1946 میلادی 38 درصد آرا را کسب کرده بود و جایگاه مهمی در دستگاه دولت داشت، پس از کودتا که به کمک شوروی صورت گرفت ، گوتوالد و حزب کمونیست تمام امور چکسلواکی را در اختیار خود گرفتند، به این ترتیب ، این کشور برای مدت 40 سال از جهان منزوی شد و به استثنای دوره کوتاه «بهار پراگ» در پشت پرده آهنگین قرار گرفت.

در روز 5 جنوری سال 1968 میلادی الکساندر دوبچک 47 ساله به مقام منشی عمومی حزب کمونیست چکسلواکی دست یافت و جنرال لوتویک اسوبودا 73 ساله به مقام ریاست جمهوری انتخاب شده، این دو نفر تلاش کردند تا در سیستم بسته کشور اصلاحاتی را ایجاد کنند، در ماه اپریل 1968 میلادی الکساندر دوبچک سانسور را لغو و اجازه مسافرت به کشورهای خارجی را صادر کرد و حتی به دستور وی رئیس پلیس چکسلواکی دستگیر شد، بسیاری از مردم چکسلواکی از این شرایط تازه شادمان بودند بی آن که مراقب اقدامات تحریک آمیز پیمان ورشو باشند، پس از حمله نیروهای پیمان ورشو به خاک چکسلواکی و اشغال پراگ ، مردم در مقابل آنها دست به مبارزه زدند، اما در رویارویی با تانک ها مردم غیر مسلح به زودی سرکوب شدند، مقامات چکسلواکی دستگیر و افراد تازه ای جایگزین آنها گردیدند، در عین حال هزاران نفر از مردم چکسلواکی نیز دستگیر و روانه اردوگاه های کار اجباری در اتحاد شوروی شدند، «بهار پراگ» و رویای یک «سوسیالیسم با چهره بشری» تحت رهبری مسکو ناگهان پایان یافت، به این ترتیب ، در روز 21 اگست سال 1968 میلادی ، خاک چکسلواکی توسط نیروهای پیمان ورشو به رهبری اتحاد شوروی اشغال شد، بهار پراگ پایان گرفت ، چک ها و اسلواک ها ناگزیر شدند 20 سال دیگر را در انتظار دستیابی به دمکراسی در پشت پرده آهنگین سپری نمایند.

**2 - در گذشت نیکلسون دانشمند انگلیسی:-** 21 اگست سال 1945 میلادی: رینولد نیکلسون دانشمند و شرق شناس انگلیسی درگذشت، او در سال 1903 میلادی در پایان تحصیلاتش در سمت استاد زبان در دانشگاه کمبریج مشغول تدریس شد، او بعد از درگذشت انوارد براون ایرانشناس معروف انگلیسی در دانشگاه جانسین وی شد، نیکلسون که در زمینه ادبیات خراسان و ایران مطالعاتی درخور توجه داشت خود را مرید مولانا جلال الدین محمد بلخی عارف و شاعر بلند آوازه افغانی می دانست و مدت 25 سال درباره مثنوی مولوی تحقیق و مطالعه کرد. «تصحیح تنکرة الاولیاء عطار نیشابوری، تاریخ ادبیات عرب و چندین مقاله درباره شعرو تصوف» از جمله معروفترین آثار نیکلسون است، همچنین نخستین ترجمه کامل مثنوی مولوی از اوست.

**3- تشکیل سازمان پیمان مرکزی سینتو:-** بتاريخ 21 اگست سال 1959 میلادی: سازمان پیمان مرکزی سینتو با شرکت ایران، ترکیه، پاکستان و بریتانیا در انقره تشکیل شد. پیمان سینتو در واقع جایگزین پیمان بغداد بود، با کودتای عبدالکریم قاسم در عراق و خروج این کشور از پیمان بغداد، مقر آن نیز به انقره انتقال یافت و سینتو نامیده شد، پیمان سینتو حلقه اتصال پیمانهای ناتو و سینتو بود که به منظور ایجاد دیوار حفاظتی- دفاعی در برابر شوروی و جلوگیری از نفوذ آن کشور در دیگر مناطق جهان ایجاد شده بود، در سال 1979 میلادی با سقوط رژیم شاهنشاهی در ایران دولت جمهوری اسلامی ایران از این پیمان خارج شد و بالاخره در سال 1980 میلادی پیمان سینتو منحل اعلام شد.

**4- جنگهای عثمانی و ایرانی:-** بتاريخ 21 اگست سال 1514 میلادی: جنگ تاریخی چالدران از بزرگترین جنگهای تاریخ ایران و عثمانی است که در دشتی به همین نام واقع میان تبریز و خوی بین قوای ایران و عثمانی رخ داد، این جنگ میان سپاه شاه اسماعیل صفوی و قوای سلطان سلیم عثمانی روی داد و با وجود تلاشهای ایرانیان به نفع عثمانی پایان یافت.

5 - اسقلال گشور البانی :- بتاريخ 21 اگست سال 1912 میلادی: کشور البانی استقلال داخلی یافت و بصورت امیرنشین مستقل درآمد، تا سال 1925 میلادی شورای سلطنتی بر این کشور حکومت می کرد اما در این سال قیام مردمی به رهبری احمد زوغو موجب روی کار آمدن نظام جمهوری در البانی شد، البانی در جنگ جهانی دوم به اشغال موسولینی درآمد و تا سال 1944 میلادی سلطه ایتالیا بر این کشور ادامه یافت، در این سالها جنبش پرتوان پارتیزانی به رهبری انور خوجه سازماندهی مقاومت مردمی را به عهده گرفت و مجدداً جمهوری اعلام کرد و تا پایان عمر در سمت ریاست جمهوری البانی باقی ماند، کشور البانی در جنوب قاره اروپا و در شبه جزیره بالکان واقع شده و با کشورهای یونان و یوگسلاوی سابق هم مرز است.

سیزدهم : 140 سال پیش در چنین روزی - 22 اوت سال 1864 میلادی: قرارداد تاریخی ژنو میان نمایندگان چند کشور اروپایی- آسیایی و امریکایی به امضا رسید. هدف از امضای قرارداد ژنو یاری رساندن به مجروحان میدانهای جنگ بود. طبق این موافقت نامه اعضای تیمهای پزشکی امدادگران و تأسیسات مربوط به آنان باید در میدانهای جنگ بی طرف شناخته شوند و از هرگونه تعرض در امان باشند.

## روز شمار بیست و دوم ماه اگست

=====

**1 - سند محرمانه انگلستان در باره چه گوارا :-** بتاريخ 22 اگست 2004 میلادی: در میان اسناد محرمانه دولت انگلستان که هفته منتهی به از طبقه بندی خارج و در اختیار آرشیف ملی قرار داده شده اند و دسترسی به آنها آزاد است، سندی در باره «چه گوارا» «چه گوارا» انقلابی معروف امریکایی لاتین دیده می شود که حاوی نظر ماموران اطلاعاتی انگلستان درباره اوست، در این سند از چه گوارا به عنوان فردی دلچسب و با فرهنگ یاد شده که به هدفی که در پیش گرفته ایمان مطلق دارد، در این سند آمده است: چه گوارا از شغل طبیب و زندگانی مرفه در میان فامیل (طبقه متوسط آرژانتین) گذشت تا با تمام وجود در خدمت انقلاب جهانی سوسیالیستی قرار گیرد، او مردی توانا و داناست که نمی شود وی را از راهی

که می رود بازگردانید (خریداری کرد)، او جز نیکبختی همه مردم به چیزی دیگر نمی اندیشد، چه گوارا یک ایرلندی - هسپانیایی بود که در آرژانتین به دنیا آمده بود ، مرد شماره 2 در انقلاب کیوبا بشمار می رفت و در 1967 در بولیوی کشته شد، وی پس از پیروزی انقلاب کیوبا، به منظور کمک به انقلابیون لاتین و آفریقایی به چند کشور قاره آفریقا و امریکا لاتین سفر کرده بود و در جریان همین تلاش در بولیوی دستگیر و بدون محاکمه و طبق برخی گزارشها به اشاره « سیا » اعدام شد، سالها بعد استخوانهای وی به کیوبا حمل و در این سرزمین مدفون شدند.

## روز شمار بیست و سوم اگست

=====

**1- امضای پیمان دوستی المان و شوروی :-** بتاريخ 23 اگست سال 1939 میلادی مردم جهان با حیرت از امضای پیمان دوستی میان کشورهای المان نازی و اتحاد جماهیر شوروی در کاخ کرملین در مسکو آگاه شدند، استالین ، رهبر بسیار قدرتمند اتحاد شوروی به کشورهای غربی مظلون بود که قصد دارند تمایل جهانگشایی هیتلر را متوجه شرق کنند، وی واگذاری کشور چکسلواکی را در جریان کنفرانس مونیخ به المان تأییدی در این سوءظن خود می دانست. بنابراین در روز 19 اگست سال 1939 میلادی به بیروی سیاسی حزب اطلاع داد که قصد دارد یک پیمان را با همسایه جنگ طلب خود امضا کند، سه روز بعد یواخیم فن ریبین تروپ ، وزیر خارجه المان نازی و مولوتف ، وزیر خارجه اتحاد شوروی پیمان دوستی میان المان نازی و اتحاد شوروی را امضا کردند، مدت این پیمان ده سال تعیین شده بود یکی از مفاد پیمان این ماده بود: «دو طرف امضاء کننده تعهد می کنند از هر گونه تهاجم ، اقدام نظامی ، اقدام خشونت بار علیه یکدیگر چه به صورت فردی ، چه به صورت اتحاد با دیگر کشورها خودداری کنند، در عین حال براساس یک توافق پنهانی المان نازی و اتحاد شوروی ، کشور پولند را بین خود تقسیم کردند با امضای این پیمان هیتلر نیز به نوبه خود از جنگیدن در دو جبهه خلاص شد، چند روز بعد در روز اول سپتمبر سال 1939 میلادی هیتلر به پولند اعلان جنگ داد ، با این که می دانست به احتمال قوی جنگ با پولند موجب جنگ با فرانسه و انگلستان خواهد شد، اتحاد شوروی نیز از این موقعیت استفاده کرد، به کشور فنلند حمله کرد و کشورهای بالت (لٹونی - استونی - لیتوانی) را به خاک شوروی منضم نمود و رومانی را تصرف کرد، قوای نظامی المان در روز اول سپتمبر سال 1939 میلادی به فرمان هیتلر و فقط ساعتی بعد از اعلان جنگ به پولند به خاک این کشور حمله کرد، قوای نظامی شوروی نیز به نوبه خود به بخش شرقی پولند حمله کرد و براساس پیمان دوستی با المان نازی بخش شرقی پولند را تصرف نمود.

انگلستان در روز 3 سپتمبر به المان نازی اعلان جنگ داد و 5 ساعت بعد فرانسه نیز در جنگ با المان به انگلستان پیوست، به این ترتیب در روز 23 اگست سال 1939 میلادی المان نازی و اتحاد شوروی یک پیمان دوستی ده ساله را امضا کردند و مخفیانه توافق نمودند کشور پولند را بین خود تقسیم کنند، این سرآغاز جنگ دوم جهانی شد که بخش اعظم جهان به جبهه جنگ میان طرفین متخاصم تبدیل شد و ده ها میلیون نفر در جریان آن جان خود را از دست دادند، اما امضای این پیمان دوستی میان المان نازی و اتحاد شوروی مانع هیتلر نشد که دو سال بعد در میان نا باوری استالین به خاک شوروی حمله کند.

## روز شمار بیست و چهارم اگست

=====

**1 - قتل عامهای مذهبی در فرانسه :-** بتاريخ 24 اگست سال 1572 میلادی: بزرگترین قتل عامهای مذهبی در تاریخ فرانسه روی داد، این کشتار خونین از مراسم ازدواج هانری پادشاه ناواربا مارگریت آغاز شد، این قتل عام به دستور کاترین دو مدیسی ملکه فرانسه و تصویب شارل نهم شاه کشور انجام گرفت، در مراسم ازدواج هانری و مارگریت عده ای از سران مذاهب کاتولیک و پروتستان حضور داشتند و برخورد شدیدی میان آنان در گرفت، کاترین دو مدیسی از این فرصت سوء استفاده کرد و پسرش را به قتل عام پروتستانها تشویق کرد، در این درگیری و منازعه حدود 30000 هزار تن به قتل رسیدند و چون این کشتار در روز عید سن بارتولومی رخ داد در تاریخ فرانسه به نام کشتار سن بارتولومی ثبت شده است.

**2- تولد پی یرکوری فیزیکدان فرانسوی :-** بتاريخ 24 اگست سال 1859 میلادی: پی یرکوری دانشمند و فیزیکدان فرانسوی در پاریس به دنیا آمد او از کودکی استعداد شگرف خود را در علوم ریاضی آشکار ساخت، از این رو با جدیت بسیاریه ریاضی و فیزیک پرداخت، پی یرکوری در مدتی کوتاه از مکتشفان بزرگ دنیای فیزیک و شیمی شد، پی یرکوری در سال 1898 میلادی به اتفاق همسرش مادام کوری فیزیکدان برجسته موفق به کشف رادیوم و پلوتونیوم شد.

**3- در گذشت نیچه فیلسوف المانی :-** بتاريخ 24 اگست سال 1900 میلادی: فردریک ویلهلم نیچه فیلسوف المانی درگذشت، نیچه در دوران تحصیل با آثار و نوشته های شوپنهاور آشنا شد و از آنها تأثیر پذیرفت، نیچه همچنین تا مدتها به هنر و فلسفه واگرمعتقد بود اما چند سال بعد با آنچه طرفدارش بود به مخالفت برخاست و اصول دنیای قدیم را با طرح اندیشه آبرمرد محکوم کرد، از میان آثار نیچه « چنین گفت زرتشت و فراسوی نیک و بد» را می توان نام برد.

**4 - اعلام موجودیت «ناتو» :-** بتاريخ 24 اگست سال 1949 میلادی: سازمان پیمان آتلانتیک شمالی «ناتو» درواشنگتن امریکا اعلام موجودیت کرد، ناتو بزرگترین اتحادیه سیاسی- نظامی بعد از جنگ جهانی دوم بود و پس از تسلیم اوراق مربوط به تصویب معاهده آتلانتیک شمالی به دولت امریکا رسمیت یافت، ناتو به منظور اجرای سیاست محاصره ( دیپلماسی محاصره) با امضای نمایندگان 12 کشور جهان (امریکا، انگلستان، ایتالیا ایسلند، بلجیم، پرتغال، دنمارک، کانادا، لوکزامبورک ، ناروی، هالند، یونان) تشکیل شد و در سال 1951 میلادی کشورهای المان و ترکیه و در سال 1966 فرانسه نیز به آنها پیوستند، ناتو به منظور مقابله با حرکتهاي اصلاح طلبانه تأسیس شد و از مهمترین مواد این پیمان آن بود که در صورت تجاوز نیروی متخاصم به یکی از اعضای این پیمان دیگر هم پیمانان به یاری اش بشتابند، شایان توجه است که قصر ناتو ابتدا در پاریس بود اما بعد از خروج فرانسه از این پیمان به بروکسل انتقال یافت همچنان این سازمان بعد از جنگ سرد تقویه یافت که ده کشور اروپای مرکزی و شرقی روز شنبه اول می سای 2004 میلادی به عضویت کامل پیمان اتلانتیک شمالی « ناتو» در آمدند که عبارت اند از: ( قبرس، جمهوری چک، استونی، مجارستان، لٹونی، لیتوانی، مالت، پولند، اسلو ، و اسلونی) که به این ترتیب شمار اعضای اتحادیه اروپا از 15 کشور به 25 کشور افزایش یافت و مساحت آن 25 در صد بیشتر شد و جمعیت آن به 450 میلیون نفر خواهد رسید.

## روز شمار بیست و پنجم ماه اگست

=====

**1- در گذشت نیچه فیلسوف المان :-** بتاريخ بیست و پنجم اگست سال 1900: "فردریک ویلهلم نیچه Nietzsche " در 56 سالگی درگذشت. "نیچه" فیلسوف المانی و نویسنده کتابهای "تولد تراژدی"، "چنین گفت زرتشت" و "ان سوی خوب و بد" تمدن بورژوازی غرب را رد کرد و آن را منط خواند، وی که یک مورالیست بود فرضیه انسانهای توانا (سوپرمن) را مطرح ساخت که بعدا مورد توجه نازیهای المان قرار گرفت و به آن استناد می کردند

## روز شمار بیست و هشتم اگست

=====



**1- استقلال سرزمین ونزولا:** بتاریخ 26 اگست سال 1821 میلادی: دوران سلطه 322 ساله هسپانیا بر سرزمین ونزولا پایان یافت، ونزولا از کشورهای نفت خیز دنیای امروز است که در منطقه امریکای جنوبی قرار دارد، از دسامبر 1499 میلادی که اولین قسمتهای ونزولا آلفونسو روچا دریانورد مشهور کشف کرد؛ دولت هسپانیا مالک این سرزمین شده بود، ونزولا در فبروری 1829 میلادی بطور کامل مستقل شد.

**2- اتحاد کشور روسیه و فرانسه:** بتاریخ 26 اگست سال 1891 میلادی: اتحاد دو جانبه روسیه تزاری و فرانسه به امضا رسید، به این ترتیب فرانسه که بعد از شکست از آلمان در صدد یافتن متحدی برای خود بود در جنگ احتمالی آینده اش با آلمان از متحدش یاری بگیرد روسیه تزاری را متحد خود یافت، فرانسویان برای استفاده از این اتحاد 13 میلیارد فرانک به روسها قرض دادند و روسیه از این قرض برای احداث راه آهن سراسری سیبری بهره برد، فرانسه و روسیه در جنگ جهانی اول نیز متحد بودند.

**3- استقلال کشور نامیبیا:** بتاریخ 26 اگست سال 1971 میلادی: کشور نامیبیا به استقلال رسید، این کشور در سال 1884 میلادی تحت حمایت آلمان قرار گرفت سپس در سال 1915 میلادی تسلیم افریقای جنوبی شد و با موافقت سازمان ملل متحد تحت قیمومیت این کشور اداره می شد، در سال 1968 میلادی سازمان ملل نام این کشور را به نامیبیا تغییر داد ولی این سرزمین همچنان در سیطره افریقای جنوبی بود، سرانجام در مارچ 1990 میلادی نامیبیا از قیمومیت افریقای جنوبی خارج و بطور کامل مستقل شد.

**روز ششم بیست و هفتم ماه اگست**

=====

**1- زاد روز هگل فیلسوف تاریخ:** بتاریخ 27 اگست سال 1770 میلادی: "گورگ ویلهلم فردریک هگل Hegel" فیلسوف و تاریخدان بزرگ آلمان به دنیا آمد و در سال 1831 میلادی درگذشت و کتابهای متعدد از جمله علم منطق، دانه المعارف علوم فلسفی، فلسفه حق، درباره تاریخ، درباره اخلاقیات و ... را تألیف کرد، وی که از فلاسفه معروف به ایده آلیست بشمار می رود فرضیه تاریخ معروف به دیالکتیک هگلی را بنیاد نهاد که بر اساس تز (Thesis)، آنتی تز (Antitheses) و سنتز (Synthesis) بود، زیرا که عقیده داشت همه تحولات تاریخ دارای سه خصلت اساسی هستند و هر تحول تاریخ نیروی ضد خود را به وجود می آورد که با آن در معارضه خواهد بود، هگل گفته است که برای درک هر جنبه فرهنگ انسانی باید مسیر گذشته آن را یافت و تاریخش را دانست، وی تأکید بر درک تاریخ و مطالعه دقیق آن دارد که بدون این درک نمی توان در فلسفه، هنر، سیاست، حتی دین و علم تبحر یافت، هگل را مروج "فلسفه تاریخ" می دانند که معتقد به وجود نیرو و عامل واحد و یا چند نیروی مشخص حاکم بر شکل گیری تاریخ هستند به عبارت دیگر تاریخ تکرار می شود، عقاید هگل در فلاسفه و مورخان بعد از او از جمله مارکس، لاسال، دوی و سارتر Sartre موثر واقع شده است، هگل در طول عمر، همواره استاد دانشگاه، مولف و مدت کوتاهی هم سردبیر نشریه بود، او از حامیان و مشوقان تأمین وحدت آلمانی زبانها بشمار می رود.

**روز ششم بیست و هشتم ماه اگست**

=====

**1 - سلطان سلیمان مجارستان را فتح کرد:** بتاریخ 28 اگست سال 1526 میلادی، سلطان سلیمان قانونی سلطان امپراتوری عثمانی لشکریان مجارستان را در دشت موهاکس در هم شکست و کشور مجارستان را فتح و به خاک عثمانی منضم کرد، به این ترتیب مجارستان موجودیت خود به عنوان یک کشور مستقل را از دست داد، در جریان دوران طولانی سلطنت سلطان سلیمان قانونی که 46 سال از سال 1520 تا 1566 میلادی به طول انجامید، امپراتوری عثمانی به اوج شکوفایی خود رسید، در زمینه های هنر و معماری ابنیه باشکوهی مانند مسجد سلیمانیه احداث شدند، در عین حال سلطان سلیمان قانونی قلمرو امپراتوری عثمانی را گسترش داد، قلمرو امپراتوری عثمانی در زمان سلطنت وی از مرزهای مراکش تا مرزهای ایران و افغانستان از دروازه های شهر وین تا سواحل اقیانوس هند در جنوب شبه جزیره عربستان گسترده بود، سلطان سلیمان قانونی در سن 25 سالگی جانشین پدرش سلطان سلیم اول ملقب به سنگدل شد، وی از این اقبال برخوردار بود که با مشکلات سلاطین قدیم عثمانی روبه رو نبود، در کشور نظم برقرار بود، ایران و عثمانی در آن دوره در صلح به سر می بردند، دولت کاملاً بر ولایات تسلط داشت، سلطان سلیمان قانونی دوست دوران کودکی اش ابراهیم پاشا را به مقام وزیر اعظم منصوب کرده بود، ابراهیم پاشا فردی مدبر و لایق بود، با توجه به این شرایط سلطان سلیمان قانونی بدون فوت وقت دست به تصرف سرزمین های مدیترانه شرقی می زد و سراسر کشورها و سرزمین های مدیترانه شرقی را متصرف می شود، توجه امپراتوری عثمانی به تصرف کشورهای مدیترانه شرقی سه ربع قرن پیش با اشغال قسطنطنیه آغاز شده بود، در روز 20 دسامبر سال 1522 میلادی، سلطان سلیمان قانونی پس از 5 ماه محاصره، قلعه مستحکم جزیره رودس که شوالیه های فرقه سن ژان از آن دفاع می کردند را به تصرف خود درآورد، اما امپراتوری عثمانی از سوی غرب که بیشتر سرزمین های آن تحت تسلط امپراتور شارل کن پادشاه هسپانیا و اطیش بود در معرض تهدید قرار داشت، بنابراین سلطان سلیمان قانونی تصمیم می گیرد، کشور مجارستان که پادشاه آن لویی دوم بود و میان متصرفات وی در سرزمین های بالکان و امپراتوری شارل کن واقع شده بود را تصرف کند، در نبرد دشت موهاکس سلطان سلیمان با یک تدبیر جنگی و انمود کرد که صفوف قلب سپاهش متزلزل شده تا بتواند سوار نظام قدرتمند مجار را به سوی قلب سپاه عثمانی جلب کند، این تدبیر موثر واقع شد و سوار نظام مجار عجولانه و به امید اسیر کردن شخص سلطان به قلب سپاه عثمانی حمله کرده و در دام افتادند، پس از حمله سوار نظام مجار صفوف سربازان قلب سپاه عثمانی آنها را به محاصره درآوردند و تقریباً تمام سوار نظام مجارها زیر آتش سنگین توپخانه های نظامی عثمانی کشته شدند.

لویی دوم پادشاه مجارستان و تعداد اندکی از سپاهیان که قصد داشتند از طریق مرداب ها فرار کنند، در مرداب های پیرامون دشت موهاکس غرق شدند، سلطان سلیمان قانونی پس از درهم شکستن سپاه مجارستان به آسانی شهر بودا [بوداپست امروزی] پایتخت مجارستان را فتح کرد و به دروازه های اروپای غربی رسید، به این ترتیب در روز 28 اگست سال 1526 میلادی سلطان سلیمان قانونی و سپاه عثمانی لشکریان مجارستان را در دشت موهاکس در هم شکستند و سراسر مجارستان به خاک امپراتوری عثمانی منضم شد و مجارستان موجودیت خود را به عنوان یک کشور مستقل برای چند قرن از دست داد.

**روز ششم بیست و نهم ماه اگست**

=====

**1 - جنگ تریاک و تاریخچه آن:** بتاریخ 29 اگست سال 1842 میلادی: جنگ تریاک میان چین و انگلستان پایان یافت، این جنگ به پیروزی انگلستان و از دست رفتن هانگ کانگ و باز شدن درهای چین به روی تاجران انگلیسی انجامید، انگلستان تریاک محصول هند را به چین صادر می کرد و چینیان با مصرف تریاک معتاد شدند و با تشویق دولت چین به کشتی های باری انگلستان حمله بردند و صندوقهای تریاک را به دریا ریختند که این امر بهانه جنگ شد، به این مناسبت نگاه کوتاهی به تاریخچه تریاک بیافکنیم: بوته تریاک به دلیل سازش با هر آب و زمینی از قدیم الایام در اطراف دریای مدیترانه به صورت خود رو به دست می آمد و به علت داشتن گلهای زیبا، به تدریج به دست انسان کشت شد، نخست مصریان قدیم، سپس ساکنان آسیای صغیر (ترکیه) و آنگاه یونانیان و بعد از آنها رومیان با این ماده (بوته تریاک) و شیره آن آشنا شدند، بقراط که آن را Opium می نامید برای درمان بیماریها آن را تجویز می کرد، در کتابخانه ی "آجر نبشته" آثور بانیپال (2700 سال پیش) از آن به عنوان داروی مسکن نام برده شده است، اسکندر مقدونی آن را با خود از یونان به ایران آورد تا در صورت بیمار شدن سربازانش به آنها بخوراند و سپس آن را در شرق افغانستان (آن زمان آریانا یعنی سرزمین آریین ها خوانده می شد) کشت کرد، عربها که در گسترش آن در آسیای جنوبی سهیم هستند، آن را داروی رفع سردرد می پنداشتند، رازی نخستین شیمیادانی بود که هزار سال پیش خواص شیمیایی تریاک را شناخت و

آن را افیون (Afiyun) (واژه شکسته شده Opium) خواند، سپس ابن سینا در آزمایشگاه خود روی این ماده تجربه فراوان کرد و به اعتیاد آور بودن آن پی برد و توصیه کرد که فقط برای رفع تسکین درد، درمان اسهال و اسهال خونی و چشم درد به طور موقت و مقطوع از آن استفاده شود، احتمالاً از همین زمان این ماده تریاک Teriac (داروی مسکن) خوانده شده است، در آن زمان برای رفع تسکین درد شیره آن را به مقدار کم با عسل می خوردند، مصرف تریاک به میزان محدود بود زیرا خوردن زیاد آن باعث مرگ می شد، مغولها و تیموریان (تاتارها) اولین قومی بودند که از تریاک به عنوان ماده مخدر استفاده کردند، آنها این ماده را به سربازان خود می خوراندند تا در میدان جنگ از کشتن و کشته شدن نهراسند و فرار نکنند، استفاده از تریاک به عنوان ماده مخدر از قرن شانزدهم به تدریج معمول شد، انگلیسی ها پس از تصرف هند و دست یافتن به مزارع خشخاش این کشور به تجارت تریاک به کشورهای دیگر مخصوصاً چین دست زدند که به دو جنگ معروف به تریاک در قرن 19 انجامید، احتمالاً تشویق ایرانیان و افغانیان به کشیدن تریاک مربوط به همین دوره است. در قرن 20، علی رغم ممنوعیت این ماده از سوی جامعه ملل (سابق) و سازمان ملل کشت تریاک در ساحه تسلط مجاهدین به افغانستان و مثلث طلائی، و مصرف آن و مشتقاتش از جمله هروئین ادامه دارد.

روز شمار سی ام اگست

=====

**1 - شکست سپاه روسیه تزاری از قوای نظامی المان:-** بتاريخ 30 اگست سال 1914 میلادی، در حالی که فقط يك ماه از آغاز جنگ که به جنگ جهانی اول شهرت یافت، می گذشت قوای نظامی امپراتوری المان، لشکر روسیه تزاری را در منطقه تاننبرگ در هم شکست، این پیروزی نشان داد که جنگ طولانی و بی رحمانه خواهد بود، در روز اول اگست سال 1914 میلادی در ساعت 4 بعدازظهر زنگ تمام ناقوس ها در سراسر فرانسه به صدا درآمدند که طنین آنها خبر از واقعه شومی می داد، بسیج عمومی در فرانسه اعلام شد، المان در همان روز به روسیه و در روز دوم اگست به فرانسه اعلان جنگ داد، در روز 4 اگست قوای نظامی المان بی طرفی بلجیم را نقض کرد و لشکرهاي قوای نظامی المان وارد خاک این کشور شدند، در پی حمله المان به خاک بلجیم، انگلستان نیز در کنار فرانسه و روسیه با المان وارد جنگ شد، فرانسوی ها از متحد خود روسیه خواستند هر چه سریعتر به خاک المان حمله کنند تا این کشور ناگزیر به جنگ در دو جبهه شود، بنابراین دو سپاه روسیه در نیمه ماه اگست سال 1914 میلادی ایالت پروس شرقی المان [امروز این ایالت میان پولند و روسیه تقسیم شده است] را مورد حمله قرار دادند، در روز 20 اگست، قوای نظامی دوم المان در گومبین ناگزیر به عقب نشینی شد، در پاریس و لندن، متحدان تزار روس، موفقیت «جاده صاف کن روس» جشن گرفته شد.

جنرال هلموت فن مولتکه رئیس قوای مشترک قوای نظامی المان با دستپاچگی، دو لشکر المان را از جبهه غربی به جبهه شرقی برای تحکیم این جبهه منتقل کرد، فرانسوی ها که به شدت تحت فشار قرار گرفته بودند، از کاهش نیروهای المانی استفاده کردند تا مواضع خود را تحکیم نموده و مانع از اشغال کشورشان شوند، جنرال المانی پل فن هیندنبرگ 67 ساله که بازنشسته شده بود دوباره به خدمت بازگشت و برای جلوگیری از فاجعه فرماندهی قوای نظامی دوم را در دست گرفت و جنرال اریخ لودندورف به معاونت وی منصوب شد، المانی ها توانستند مکالمات رادیویی میان جنرال های روسی را استراق سمع کنند و متوجه شدند دو سپاه روسیه در فاصله دورتری از آنچه که تصور می کردند، قرار دارند، هیندنبرگ و لودندورف تصمیم گرفتند به سپاه جنرال سامسونف حمله کنند، آنها از کینه ای که میان دو جنرال روسی سامسونف و رنکامپف وجود داشت باخبر بودند و تصور می کردند جنرال رنکامپف فرمانده سپاه دیگر روسیه در کمک به سامسونف تردید نشان خواهد داد این تصور آنها به حقیقت مبدل شد، قوای نظامی دوم المان به فرماندهی جنرال هیندنبرگ 150000 سرباز سامسونف را مجبور به عقب نشینی به تاننبرگ کرد و راه بازگشت آنها را مسدود نمود، در پی این حمله غافلگیرکننده شیرازه سپاه سامسونف از هم گسست، در این نبرد 30000 سرباز روس کشته و همین تعداد مجروح شدند، المان ها بیش از 90000 سرباز روس را اسیر کرده و 500 قبضه توپ را به غنیمت گرفتند، بیش از 60 قطار اسیران روس را به غرب المان منتقل کردند، تلفات المانی ها کمتر از 20000 نفر بود، سامسونف از شدت ناامیدی خودکشی می کند. يك هفته بعد، در سواحل دریاچه های مازور سپاه جنرال رنکامپف به نوبه خود از قوای نظامی دوم المان به فرماندهی جنرال هیندنبرگ شکست می خورد، به این ترتیب در روز 30 اگست سال 1914 میلادی، قوای نظامی امپراتوری المان سپاه روسیه تزاری را در منطقه تاننبرگ در هم شکست، این نخستین شکست بزرگی بود که در روزهای اولیه جنگ جهانی اول که از سال 1914 تا 1918 میلادی سراسر اروپا و بخش های وسیعی از جهان را به خون و آتش کشید رخ داد.

روز شمار سی و یکم اگست

=====

**1 - قوای نظامی فرانسه مصر را تسلیم انگلستان کرد:-** بتاريخ 31 اگست سال 1801 میلادی : جنرال فرانسوی منو، فرمانده باقیمانده سپاهی که ناپلئون به مصر برده بود تسلیم جنرال انگلیسی آبر کرامپی شد و مصر که توسط ناپلئون فتح شده بود را در اختیار انگلستان قرار داد، براساس توافق، باقیمانده سپاهیان فرانسه با کشتی های انگلیسی به کشورشان بازگشتند، ناپلئون بناپارت که در آن زمان مقام قونسل فرانسه را داشت، تصمیم گرفت کشور مصر که تحت حاکمیت سلطان عثمانی بود را فتح کرده و سپس از راه زمینی به هندوستان مستعمره انگلستان حمله کند، وی در 2 جولای سال 1798 میلادی با 54000 سرباز و 190 فروند کشتی وارد بندر اسکندریه شد و پس از فتح اسکندریه و شکست دادن مرادبیک مملوک مصر شهر قاهره را اشغال کرد، ناپلئون که از پیروزی خود سرمست شده بود، تصور کرد که لشکرکشی اش به شرق با موفقیت قرین خواهد بود، اما آدمیرال هوراسیو نلسون فرمانده نیروی دریایی انگلستان مکان ناوگان فرانسه که در ابو قیر در نزدیکی اسکندریه لنگر انداخته بود را کشف کرد، وی با توپخانه قدرتمند و کشتی خود مدت 15 ساعت کشتی غافلگیر شده فرانسه را بمباران کرد و کشتی فرانسه را نابود نمود، آدمیرال فرانسوی برویس با ناو فرماندهی خود که 118 توپ داشت فرار کرد، کشتی بان و پلونو نیز با چند کشتی دیگر راه فرار را در پیش گرفت، به این ترتیب لشکر فاتح ناپلئون در سرزمین مفتوحه مصر زندانی شد و راه بازگشت آنها به فرانسه مسدود گردید، در روز 21 اکتوبر سال 1798 میلادی شورش بزرگی علیه فرانسوی ها در شهر قاهره به راه افتاد که در جریان آن 300 سرباز فرانسوی از حمله جنرال دوپوی کشته شدند و فرانسوی ها نیز بی رحمانه 3000 مصری را قتل عام کردند، ناپلئون مردی نبود که ناامید شود، وی می خواست مانند اسکندر مقدونی هند را از راه زمینی اشغال کند، بنابراین در ابتدای سال 1799 میلادی، قبل از این که فصل گرما آغاز شود با 15000 سرباز راه سوریه را در پیش گرفت و پس از العریش و غزه، شهر یافا در قلب سرزمین مقدس را محاصره کرد، دو نفر از فرستادگان ناپلئون که به نزد مردم شهر یافا رفته بودند توسط آنها به قتل رسیدند و سربازان فرانسوی پس از اشغال یافا دست به قتل عام زدند، بیش از 2500 اسیر ترک به ضرب گلوله یا توسط سرنیزه به قتل رسیدند، اما در یافا، سربازان فرانسوی به نوبه خود به طاعون مبتلا شدند که این بیماری تا انتها لشکرکشی بناپارت به شرق ادامه یافت، ناپلئون تصمیم گرفت به مصر بازگردد، در راه بازگشت سربازان فرانسوی تمام شهرهایی که در مسیر آنها قرار داشتند را غارت کردند، پس از بازگشت ناپلئون به قاهره، وی مطلع گردید که انقلاب بزرگی علیه وی در اروپا تشکیل شده و سربازان فرانسوی در تمام جبهه های اروپا در حال عقب نشینی هستند، بنابراین بناپارت تصمیم گرفت هر چه زودتر مصر را به مقصد اروپا ترک کند، وی فرماندهی سپاه فرانسه در شرق را به جنرال کلبر واگذار کرد و خود با تعدادی از جنرال هایش و تمام پولی که در صندوق ها باقی مانده بود با یکی از معدود کشتی هایی که از حمله نلسون آسیب ندیده بود، به عازم فرانسه شد.

پس از ترك ناپلئون عثمانی ها که در ائتلاف علیه ناپلئون شرکت کرده و از حمایت نیروی دریایی انگلستان برخوردار بودند ، به مصر حمله کردند، کلبه که تنها مانده بود با آدميرال انگلیسی اسمیت مذاکره کرد تا محترمانه خاک مصر را ترك کند ، اما پیشنهاد وی رد شد. جنگ میان فرانسوی ها و انگلیسی ها و نیروهای عثمانی شدت گرفت و کلبه موفق شد نیروهای عثمانی را در روز 20 مارچ سال 1800 میلادی در هلیوپولیس در نزدیکی قاهره شکست دهد، اما چند ماه بعد ، در روز 14 جون سال 1800 میلادی توسط یک مصری که از ظلم و ستم فرانسوی ها به تنگ آمده بود ، به قتل رسید، جنرال منو که شخصیتی ضعیف داشت جانشین وی شد، منو نتوانست در مقابل حملات نیروهای انگلیسی مقاومت کند ، بنابراین تصمیم گرفت تن به مصالحه دهد، به این ترتیب در روز 31 اگست سال 1801 میلادی جنرال منو و باقیمانده سپاهیان شرق تسلیم نیروهای انگلیسی به فرماندهی جنرال آبرکرامبی شدند، گرچه سلطان عثمانی در ظاهر بار دیگر بر مصر تسلط یافت ، اما این مقدمه ای بود که انگلیسی ها در مصر حضور یابند و به تدریج مصر را تبدیل به یکی از مستعمرات امپراتوری انگلستان نمایند. /

**سراج الدین ادیب**